

## غرق شدن کشتی‌های روس در زمان شاه سلطان حسین صفوی (بر اساس نسخه خطی ۱۶۳۱۵ کتابخانه مجلس)

سید محمد (عارف) موسوی نژاد

شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه از خاندان صفوی بود که در ۱۴ ذی‌حجه سال ۱۱۰۵ هـ. ق (۱۶۹۴ میلادی) به جای پدر بر تخت سلطنت نشست و توانست مدتی رسماً بر همه کشور ایران حکومت نماید. سلطنت وی با شورش افغان‌ها و اشغال اصفهان به دست آنها پایان یافت. وی مردی بسیار هوس‌ران و ضعیف‌النفس بود. در دوره حکومت او، آخرین بازمانده‌های نظم حکومتی و ساختار اداری که با تلاش‌های شاه اسماعیل، شاه طهماسب و شاه عباس کبیر ایجاد شده بود، از میان رفت.

شاه سلطان حسین عملاً هیچ قدرتی در اداره امور نداشت و حتی علاقه‌ای هم به دانستن اتفاقاتی که در اطرافش می‌افتاد، نشان نمی‌داد. کشور در هرج و مرج و نابسامانی فرو رفت و هر نوع فسق و فجور، بدون هیچ ممانعتی حتی در پایتخت رخ می‌داد. شرح برخی هوس‌رانی‌ها و نابسامانی‌های دوره حکومت وی، در کتاب رستم‌التواریخ در اوایل حکومت فتحعلی شاه قاجار نوشته شده آمده است.

روس‌ها که تعرضات خود را از زمان شاه اسماعیل دوم آغاز کرده بودند، در زمان شاه سلطان حسین شروع به مداخله در امور قفقازیه کرده، حتی سواحل دریای خزر از دربند تا استرآباد (گرگان فعلی) را به تصرف خود درآوردند.

در دوران وی همچنین شورش‌های افغانان غلجایی و ابدالی بی‌پاسخ ماند و در نهایت منجر به استیلای محمود افغان از طایفه غلزایی و تصرف اصفهان به دست وی گشت، سلطان حسین به شکلی باور ناپذیر و منحصر به فرد، درماندگی و ناتوانی خویش را با گذاشتن تاج بر سر محمود افغان در ۱۲ محرم ۱۱۳۵ هـ.

غرق شدن کشتی‌های روس در زمان شاه سلطان حسین صفوی... / سیدمحمد(عارف) موسوی‌نژاد

ق. به اثبات رسانید.

شاه سلطان حسین، پادشاهی که همانند دیگر پادشاهان پرورده دست غلامان و حرمسرا بود، پس از به سلطنت رسیدن، شیوه زندگی پیشین را پی‌گیری کرده و اداره کشور را به وزیران سپرد.<sup>۱</sup> رساله حاضر، بخشی از وقایعی است که در دوران این پادشاه اتفاق افتاده است که برای پژوهشگران عصر صفوی، خالی از فایده نیست. این رساله از نسخه خطی مجموعه ۱۶۳۱۵ کتابخانه مجلس است این مجموعه دارای ۴ بخش است. بخش چهارم با عنوان (مکتوبات و متفرقات)، ۲۳ مکتوب را در خود گنجانده است که مکتوب پنجم آن، گزارش غرق شدن کشتی‌های روس در دریا در زمان شاه سلطان حسین است. این مطلب در صفحات ۱۳۴ - ۱۳۸ مجموعه آمده است.<sup>۲</sup>

### در عهد خاقان سعید شاه سلطان حسین که سفین روسیه در دریا غرق شده بود نوشته شد

در عهد دولت روز افزون و سلطنت ابد مقرون اعلی حضرت پادشاه دریا دل و خسرو باذل عادل لنگر سفینه تمکین و وقار و سفینه قلم جهاننداری و اقتدار، صدف گوهر عزو علا و گوهر صدف مجد و اعتلا، ناخدای کشتی اقبال و نهنگ بحر جلادت و اجلال ذی شوکتی که تموّج بحر سطوتش بنیاد گروه اعادی را به آب رساند و صاحب دولتی که تلاطم دریای قهرش، زورق وجود بدخواهان را غرق غرقاب عدم گرداند. از غیرت دریا دل‌اش بحر ژرف دیوانه‌ای ست. دشت‌نشین از آن سلسله موجش دریا است و از هیبت سیاستش زهره در سینه دریا آب گردیده. جنبش موجی نبضش بدان علامتی هویداست. از شرم درافشانی کف‌بینان هنرش لؤلؤ لالا عرق چین عمان باشد و از خجلت نوال سخا پرورش بحار سبعا خوی پیشانی جهان غواصان بحار آرزو را کشتی کشتی لالی شاهوار از بحرین جود و سخایش در ساحل مراد میسر و شک مایگان بندر هستی را در دریا در و گهر. از بحر محیط احسانش در بساط حصول جلوه‌گر، لراقمه:

سپهر قدر خدیوی که گشته در آفاق      به بذل و جود شهیر و به عدل و داد سمیر  
ندیده است نظیر چنین جوان بخشی      به عینک مه و خور شید و چشم عالم پیر  
به حبس جنبش دریا اگر اشاره کند      به پای بحر شود سلک موج‌ها زنجیر

الذی تشرف عن یغفر سده السنیه جباله الامم و مفارق الفرق و صدق فی شأنه «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق»<sup>۳</sup> اعنی سلاله حضرت خیر البشر سمی ثالث ائمه اثنی - عشر خلدالله ملکه - جمعی کثیر از طایفه روس را هوای زیاده‌سری و باد غرور در دماغ و رؤس را یافته بود. به اراده فاسده دست برد فرضات استرآباد از روی بحر با سفاین بی‌حد و حصر آمده نزدیک به ساحل لنگر توقف

1. [http://irannaz.com/news\\_detail\\_1868.html](http://irannaz.com/news_detail_1868.html)

۲. حسینی، اشکوری، سید صادق و یوسف بیگ باباپور، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۴۵، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲.  
۳. شیخ صدوق، امالی، ص ۳۴۲.

غرق شدن کشتی‌های روس در زمان شاه سلطان حسین صفوی... / سیدمحمد(عارف) موسوی نژاد

انداخته، در خلال آن حال به فحوای «و امطرنا علیهم مطراً فساء مطر المنذرین»<sup>۱</sup> باران شدیدی که بر آن گروه پلید نیز باران غضب الهی و بر اهل این دیار نازل منزله رحمت نامتناهی بود واقع گشته، به مدلول کریمه «فغشیهم من الیمّ ماغشیهم»<sup>۲</sup> «فاغرقنا هم اجمعین»<sup>۳</sup> زورق حیات همگی آن ملاعین حباب‌آسا در گرداب فنا سرنگون گردید و به مضمون آیه کریمه «فانتقمنا منهم فاغرقنا هم فی الیمّ بانهم کذبوا/ یاایاتنا و کانو/ عنها غافلین»<sup>۴</sup> کشتی وجود آن طایفه فرعون نهاد، گرفتار طوفان غضب ربّ العباد گشته. احدی از آن کفره رخت به ساحل نجات نکشیده‌اند.

زهی بخت فیروز که اعدای خاکسار را سبک‌تر از باد از راه آب به سوی آتش روانه ساخت. قوّت طالع که به تردستی اقبال نقش حیات فوج کفره را از صفحه هستی بر انداخت. ان شاء الله تعالی چندان که سفاین زرّین انجم و اختر و فلک مشحون خورشید انور در بحر خزر بی هر اخضر جاری باشد، کشتی عمر هواخواهان این دولت ابرمدار از لطمات چار موجه بحر نوایب در حفظ حضرت باری باد.



۱. شعراء، ۱۷۳

۲. طه، ۷۸.

۳. انبیاء، ۷۷.

۴. اعراف، ۱۳۶.

